



عبدالاحمد فیض

زورگونی غیرمتعارف در مجمع عمومی، قدرت یا تضعیف موقف جهانی؟

رئیس جمهور ترامپ در هفتاد و سومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد از نحوه عملکردها و اصول رفتاری دونهاد بین المللی مدافع حقوق بشر و میثاق جهانی ژنیومصوب سال (۱۹۵۱) در مورد حقوق پناهندگی، با اظهارات شدید انتقاده نموده و بیان داشت که سازمانهای بین المللی بایست قوانین ملی دولت ها را تمکین نماید. این اظهارات غیرمتعارف از آدرس کشور قدرتمندی صورت میگیرد که در تاریخ سازمان ملل و دیپلوماسی ایالات متحده سابقه نداشت.

ترامپ کمسیون حقوق بشر ملل متحد را که مسوولیت پاسداری و حمایت از حقوق بشروارائه گزارش از چگونگی و میزان رعایت حقوق بشری را در مقیاس جهان بعهده دارد مایه شرم خوانده و خواهان اصلاح این نهاد مرتبط به ملل متحد شد. کمسیون حقوق بشر ملل متحد که بمثابه یک نهاد حرفوی، مبتنی بر مفاد منشور سازمان ملل و اصول داخلی فعالیت مینماید در گزارشات سالیانه خود چون نهاد غیرجانبدار بارها از موارد آشکار تضعیف حقوق و ارزشهای انسانی در جامعه امریکاروزیرپا گذاشتن معیارهای جهانی حقوق بشر توسط نهادهای امریکائی پرده برداشته است که مسلماً این امر موجب رویاروی و ترک ایالات متحده از این نهاد گردیده است، هکذا بهت برانگیز مینماید که نهاد جهانی مدافع حقوق بشر توسط کشوری تحریم ویا با عدم همکاری تهدید میگردد که پیشنهادات سازنده بمنظور رفورم و اصلاحات حق کلیه دول عضو بوده و ایالات متحده زیر پرچم دفاع از حقوق بشرو دخالت بشردوستانه با توسل بقوه به دفعات در طی دهه های اخیر به سرنگونی نظامهای سیاسی مستقل مبادرت ورزیده است.

آقای ترامپ دیوان بین المللی جزائی را که یگانه ساختار جهانی غیر وابسته و محصول مساعی طولانی جهانی است، موسیقی درگوش ستمگران خواند و به قطع بودجه و منابع مالی از کزیدورسیستم بانکی ایالات متحده تهدید نموده و اذعان کرد که احکام این دیوان را نخواهند پذیرفت. واشنگتن از همان آغاز منشور میثاق روم مصوب (۱۹۹۸) را با ملاحظات غیر مستدل و اینکه چرا معافیت اتباع امریکائی از تعقیب در میثاق دیوان گنجانیده نشده است نه پذیرفت، لذا دیوان صلاحیت تعقیب اتباع ایالات متحده را ندارد مگر اینکه شهروند امریکا در یکی از کشورهای عضو پیمان روم مرتکب جنایت جنگی، نقض حقوق بشری، جینوساید ویا متهم به جنایت علیه صلح گردد. لذا تحریم دیوان و نگرانی اداره کاخ سفید از اینجا ناشی می شود که گراف قابل توجه و مستندی از رخداد های جنایتکارانه و ضد بشری نظامیان آن کشور که در فاصله میان سالهای (۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴) در قلمرو افغانستان انجام یافته است در دیوان در حال بررسی ابتدائی قرار گرفته است.

تردید نیست که دیوان برای تعقیب نظامیان و اعضای اداره استخباراتی امریکا که در ارتکاب جنایات مظنون قرار گرفته اند به همکاری همه جانبه دولت محل جرم یعنی حکومت افغانستان نیازمند است دولتی که قبل بر آن در نتیجه وابستگی های نامحدود از تحویل دادن شهروند امریکا، اقامه دعوی و همکاریهای که منجر به

تعقيب شهروندان ايالات متحده گردد، درسند دوجانبه امنيتي و دفاعي تعهد نموده است فلهاذا ديوان درين زمينه درانجام هيچ كاري و تدابيرحقوقى موفق نخواهد بود و اما تهديد يك چنين ديوان كه درراستاي تأمين عدالت و دفاع قضائى ازداعيه بشرى فعال است ماهيت واقعي مروجين حقوق بشررا برجسته ميسازد.

افزون برين رئيس جمهورترامپ نه صرفاً نهاد هاى مدافع حقوق بشرى را هدف قرارداد بلكه مانند گذشته كه نهاد ملل متحد را باشگاه براى خوشگذرانى ناميده بود، با نا رضائيتي مفرط يكبارديگر درمجموع سازمان ملل متحد را با همه ساختارهاى اين مرجع معتبرين المللى مورد حمله قراردادده و مدعى شد كه ايالات متحده (۲۲) درصد بودجه اين سازمان را دراختيارقرارميدهد و با غيرعادلانه خواندن اين روند خواهان اصلاحات اين نهاد گرديد، لذا تهديد مبني بر كاهش كمك از آدرس يك قدرت بزرگ اقتصادى مدافع حقوق بشرى و دموكراسى درحالى صورت مى گيرد كه ايالات متحده امريكا با درنظرداشت اصل وجيبه پرداخت وجوه مالى به سازمان ملل كه همانا ((ميزان عوائيد نا خالص داخلى)) دولت ها است، هميشه به تعهدات خويش با توجه با عايد نا خالص اش بمتابه اقتصاد بزرگ جهان كمترعمل كرده است درحاليكه كشورهايي نيزهستند كه وجوه مالى بيشترى را دراختيارملل متحد و نهاد هاى مرتبط ميپردازند. فلهاذا موقف گيري اين چنين رهبري يكقدرت جهاني دربزرگترين اجلاس بين المللى كه خود را مدعى دفاع و ترويج حقوق بشرى خوانده و سالانه فهرست بلند بالاي از دولتها و حكومات مظنون به نقض حقوق و ارزشهاى بشرى را درخورافكارعامه جهان ميدهد نه تنها تأثيرى مثبتى درروند كاري سازمان هاى جهانشمول ندارد بلكه پيا مد جزكاهش اعتبارجهاني كشورمتمدني چون امريكا نخواهد داشت.